

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ویژه نامه
فاطمیه

سایه بان

نشریه داخلی دانشجویی سایه بان
موسسه آموزش عالی ناصر خسرو شهرستان ساوه
ویژه نامه ایام فاطمیه
شماره بیست و هشتم / دی ماه ۱۴۰۱



موسسه آموزش عالی ناصر خسرو
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)



یکی از عواملی که باعث حس غم، حسرت، رنج، ناامیدی از زندگی و حس شکست در روابط با دیگران می‌شود، این است که انسان انتظار چیزی موهوم را داشته باشد که ساخته و پرداخته تخیلاتش است و امکان تحقق در واقعیت زندگی را ندارد.

داشتن چنین انتظاری از زندگی، مثل این است که بذریحان بکاریم و توقع داشته باشیم درخت انار سبز شود!

هر چیزی مشخصات و ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. دنیا و زندگی در دنیا هم همین‌طور است. دنیا بدون سختی، مشکلات و مسئولیت که دیگر اسمش دنیا نیست! اما...

همان خدایی که دنیا را آفریده، به انسان این توان را عطا کرده تا بتواند برای رسیدن به اهدافش تلاش کند و سختی‌ها را پشت سر بگذارد. همان خدایی که انسان را آفریده، با کلام خود انسان را با اهدافی که لازم است در مسیر زندگی انتخاب کند آشنا کرده است.

پس برای اهدافی تلاش کن که مطمئنی خدا از آن‌ها راضی است.

آن وقت است که از همه تلاشت، همیشه حس رضایت خواهی داشت.

سخن سر دبیر



۲

پیام مشاور

دلت می خواهد هر مشکلی که سر راحت وجود دارد برطرف شود
(سختی و بیماری) تا حس رضایت داشته باشی؟

دلت می خواهد هیچ مسئولیتی نداشته باشی تا به رضایت برسی؟
(مسئولیت)

دلت می خواهد همه این ها را داشته باشی تا دلت راضی بشود؟
(رفاه آسایش امکانات)

دوست داری به همه اهدافت برسی تا حس رضایت داشته باشی؟
(مقاصد و اهداف)

دلت می خواهد اطرافیان تمام و کمال باشند تا به خاطر حرف ها و کارهایشان اذیت نشوی و احساس رضایت کنی؟
(بی نقص بودن اطرافیان)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳

سبک زندگی فاطمه



◆ بخشهایی از سبک زندگی حضرت فاطمه زهرا (ع)، مطرح شده در بیانات حضرت آیت الله خامنه ای در زندگی فاطمه زهرا (ع) باید دقیق شد، با نگاهی نو آن زندگی را شناخت، فهمید و به معنای واقعی کلمه آن را الگو قرار داد.

عذرها
۹۳/۸/۳۰

همراهی با پیامبر

- ◆ تکیه گاه پدر در فقدان مادر | ۷۶/۶/۲۶
- ◆ یار و غمگسار پدر در شعب ابی طالب | ۷۱/۹/۲۵
- ◆ تسلی بخش پدر بعد از وفات حضرت خدیجه (ع) و حضرت ابوطالب | ۷۳/۹/۳

مجاهدت

- ◆ حضور در حوادث سیاسی و اجتماعی | ۷۹/۶/۳۰
- ◆ حضور فعال در مسائل مهم دوران بعثت و رسالت و هجرت مسلمان ها | ۶۴/۱۱/۴
- ◆ محور مبارزه مستمر و خستگی ناپذیر برای خلافت امیرالمؤمنین بعد از رحلت پیغمبر | ۶۴/۱۲/۱۰
- ◆ دفاع از ولایت با ایراد خطبه عالمانه در مسجد مدینه بعد از رحلت پیغمبر | ۷۱/۹/۲۵

فرزندداری

- ◆ تربیت بهترین فرزندان عالم علی رغم وجود مشکلات زندگی | ۷۱/۹/۲۵
- ◆ تربیت فرزندان سالم در دامن پرعطوفت و با سخنان پرنکته و مهرا میز | ۷۱/۹/۲۵

مسائل عبادی

- ◆ اینار به فقرا و کمک به محرومان و ترجیح دیگران با گرسنگی کشیدن خود | ۷۰/۱۰/۵
- ◆ دعای شبانه در حق همسایگان و مؤمنان و مسائل دنیای اسلام | ۷۱/۹/۲۵
- ◆ مواظبت دقیق در رعایت عفت و حجاب اسلامی | ۶۳/۱۲/۲۱
- ◆ راز و نیاز طولانی با خدا در محراب عبادت | ۷۴/۹/۱۶

ازدواج

- ◆ برگزاری مراسم ازدواج دختر شخص اول دنیای اسلام | ۷۱/۹/۲۵
- ◆ یا سادگی و وضع فقیرانه | ۷۱/۹/۲۵
- ◆ مهریه پایین و جهیزیه ساده در ازدواج | ۷۱/۹/۲۵
- ◆ راه ندادن تشریفات و تجملات به زندگی | ۷۱/۹/۲۵

همسر داری

- ◆ دلگرمی دادن به همسر برای شرکت در صحنه های جهاد | ۷۷/۲/۷
- ◆ فراهم نکردن مایه پریشانی و ناراحتی خاطر همسر | ۶۳/۱۲/۲۱

همراهی با همسر در مراحل دشوار زندگی | ۸۹/۳/۱۳

فریاد در سکوت

نگاهی به سیره حضرت زهرا (علیها السلام)

حجت الاسلام دکتر سوزن چی

در این جا فهرست وار به برخی از درس های سیره سیاسی صدیقه طاهره (علیها السلام) اشاره، و تحلیل تفصیلی آن ها به خواننده واگذار می شود:

یک. یکی از اموری که عظمت و اهمیت رفتار سیاسی حضرت زهرا (علیها السلام) را نشان می دهد این است که ایشان وظیفه انسان را در شرایطی که تکلیف يك مؤمن با تکلیف رهبرش متفاوت می شود، ترسیم می کند: در جریان سقیفه، امیرالمؤمنین (علیه السلام)، به خاطر دستوری شخصی از جانب پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مکلف به سکوت بود، اما حضرت زهرا (علیها السلام) به عنوان يك فردی که «امام» نیست؛ اما معصوم است و طبق حدیث نبوی غضب او غضب خداست (لذا رفتار او الگوی ماست) سکوت نکرد. یعنی ایشان نشان می دهد اگر وظیفه ما با امام مان متفاوت بود، چگونه باید وظیفه را تشخیص دهیم و چگونه باید رفتار کنیم که هتک امام و رهبرمان پیش نیاید؛ چگونه می توان بین بصیرت داشتن با پیروی کردن و ولی داشتن منافاتی ندید؛ و آموزش دادند که چگونه می توان حتی در شرایطی که دست ولی و امامت برای هرگونه اقدامی بسته است، اقدامی انجام دهی بدون این که واقعا خودسرانه رفتار کرده باشی و اقدامات لطمه به دین بزنند.

دو. برخوردهای حضرت زهرا (علیها السلام)، عمق درهم تنیدگی دیانت و سیاست را نشان می دهد. ایشان با آن سوابق عظیم دینی^۱ و با آن مقامات عرفانی^۲ وقتی که متوجه می شود جامعه دینی به لحاظ مشی سیاسی و ولایی دچار انحراف شده، شخصا وارد صحنه سیاست می شود، و نه فقط هنگام تعرض عده ای به منزل ایشان مقاومت شدید نشان می دهد، بلکه به این اکتفا نمی کند و به مسجد مدینه می رود و برای مردان سخنرانی می کند.

سه. ایشان اهم و مهم های جامعه دینی را با سیره خود آشکار کرده، نشان می دهد که جایگاه ولایت و حکومت بر مردم در قبال سایر مسائل چیست؟ بصیرت ایشان معلوم می سازد که اگر همه احکام ظاهری دین برقرار بود، ولی ولایت و حکومت به معنایی که وحی الهی تعیین کرده برقرار نبود، شاید در ابتدا مشکلی به چشم نیاید، اما همین روال در درازمدت جامعه را به سمت بی عدالتی هایی سوق خواهد داد که ممکن است بعدها شورش عمومی مردم علیه خلیفه وقت را دامن بزند یا حتی به شهادت برترین دینداران^۳ بیانجامد.

کسانی که با معارف قرآنی آشنا هستند، تردیدی در عصمت حضرت زهرا (علیها السلام) ندارند. علاوه بر آیاتی همچون آیه تطهیر^۴ و آیه مباهله^۵ که به طور مستقیم بر عصمت ایشان دلالت دارند، تدبر در سوره کوثر، سوره انسان (داستان اطعام مسکین و یتیم و فقیر و نوع مدح خداوند از رفتار ایشان) و نیز روایات فراوانی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) باقی مانده، جای هیچ تردیدی در عصمت و علو مرتبه ایشان نمی گذارد.

به نظر می رسد از سویی کوتاهی زمان بروز رفتارهای سیاسی ایشان - حدود سه ماه - واز سوی دیگر زن بودن ایشان - که غالبا تلقی می شود که زنان را با سیاست چه کار؟ - از اموری هستند که موجب شده اند نه تنها تحلیل سیره سیاسی این بانوی بی نظیر تاریخ بشریت دشوار باشد، بلکه ضرورت چنین تحلیلی نیز کمتر مورد توجه واقع شود. رفتارهای ایشان در عین حال که آموزش «شیعه واقعی» بودن است، نشان می دهد که «پیرو امام راستین» بودن چقدر دشوار و طاقت فرساست، و چه اندازه کم هستند افرادی که تحمل آن را داشته باشند:

«إن أمرنا صعب مستصعب لا يحتمله إلا ملك مقرب أو نبي مرسل أو مؤمن امتحن الله قلبه للإيمان»^۶

۱. احزاب، ۳۳

۲. آل عمران، ۶۱

۳. خصال صلوق، ج ۱، ص ۲۰۷

۴. که آن همه آیات در وصف ایشان نازل شده

۵. امام صادق (علیه السلام) فرمود: من عرف فاطمه حق معرفتها فقد أدرك ليلة القدر؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۵

۶. امام حسین (علیه السلام) و یارانش

او آموخت که چگونه به عنوان یک زن می‌توانی شدیداً اهل عفاف و دوری از رابطه با نامحرمان باشی، مادر عین حال چنان شخصیت اجتماعی خود را سامان دهی که در عرصه‌ای که مردان، امکان یا توان بصیرت بخشی ندارند، نه فقط با خطابه‌های آتشین خود، بلکه حتی با عزلت و گریه خود، خواب را بر خفتگان حرام، و راه حق را برای نسل‌های بعدی آشکار سازی.

هفت. نحوه مواجهه حضرت زهرا (ع) با مشکلات جامعه، جلوه‌ای از عمق تقوای سیاسی نیز هست. این تقوا را در سیره ایشان خصوصاً در دوازده می‌توان مشاهده کرد:

اول. حق و منافع شخصی خود را بهانه‌ای برای دفاع از حقوق عمومی (حق ولایت) قرار دادن؛

دوم: خود را سپر ولایت کردن، و نه در پشت ولی سنگر گرفتن. یعنی ایشان نشان دادند که چگونه می‌توانی به قدری وارسته باشی و به قدری در ولایت امام و رهبریت ذوب شده باشی که نه تنها از ولایت او برای خود خرج نکنی و نه تنها ولایت او را برای احقاق حقوق خودت نخواهی، بلکه ضربه‌هایی را هم، که در حقیقت به خاطر دفاع تواز ولایت، به خودت زده شده (غصب فدک)، بهانه‌ای برای دفاع از حریم ولایت قرار دهی.

امروزه فراوان مواجه می‌شویم با کسانی که دم از ولایت می‌زنند، اما یا ولایت را به عنوان پلی برای رسیدن به خواسته‌های خود می‌خواهند (و لذا در فتنه‌ها حجاب از رخ برمی‌گیرند) و یا ولایت را به عنوان سنگری می‌دانند که پشت آن مخفی شوند و با آن تیرهای منتقدان را از خود دفع کنند؛ اما صدیقه کبری حتی نرفت تا با دفاع از ولایت حق، به حق و حقوق خود برسد؛ بلکه حق و حقوق قطعی خود (= فدک) را بهانه‌ای کرد تا به همگان نشان دهد که چگونه حق و حقیقتی به نام ولایت در حال فدا شدن است.^{۱۰}

شاید عاشوراییان از او الهام گرفته بودند که روز عاشورا جان خود را سپر تیرهایی که به سوی امام می‌آمد، کردند.

چهار. مشی سیاسی حضرت زهرا (ع)، نشان‌دهنده پیچیدگی تصمیم‌گیری سیاسی در قبال مسئله حکومت دینی است: ایشان در درجه اول نشان می‌دهد که حکومت در جامعه دینی، قطعاً یک مقوله دینی است و نمی‌توان پذیرفت که رهبر جامعه، کسی باشد که منصوب دین نباشد؛ هرچند که ظاهر و سابقه ظاهریش خوب، و به عنوان یک شخص دیندار در جامعه شناخته شده باشد و مردم هم مخالفت نکنند؛ به تعبیر دیگر، فقط مسلمان بودن و مورد قبول مردم واقع شدن، شرط کافی برای حاکم جامعه دینی نیست؛ بلکه حاکم در جامعه دینی حتماً باید مستند به دستور دین انتخاب شود. اما پیچیدگی سیره ایشان در این است که: اگر این گونه نشد، راهکار نه آن است که در خانه بنشینیم و کاملاً کنار بکشیم، و نه این که به هر قیمتی در صدد سرنگون سازی حکومت موجود برآییم؛ باید تا حد امکان اعتراض خود را به گوش مردم برسانیم، اما به صورتی که اصل نظام دینی متزلزل نشود. به تعبیر دیگر، در سیره ایشان توجه توأمان به سه مطلب مشاهده می‌شود:

* قطعاً باید حکومت، حکومت دینی باشد؛

* برخلاف نظر اهل سنت، هر حکومتی که نام حکومت دینی به خود گرفت، لزوماً حکومت شایسته نیست؛

* برخلاف نظر خوارج، اگر احساس کردیم که حکومت شایسته نیست، به هر قیمتی با آن مبارزه نمی‌کنیم.

لذا مشاهده می‌شود که اقدام امیرالمؤمنین (ع) و حضرت زهرا (ع)، مکمل همدیگر است. مصلحت اسلام^{۱۱} این است که چون دشمن خارجی (ایران و روم) طمع می‌کند، دودستگی راه نیافتد و علیه حکومت وقت اقدام مستقیمی انجام نشود؛ اما روشننگری‌هایی که دشمن خارجی نمی‌تواند از آن‌ها سوءاستفاده کند، مجاز و بلکه واجب است. این گونه است که امیرالمؤمنین (ع) سکوت می‌کند، و حضرت زهرا (ع) ابتدا خطبه می‌خواند و سپس با گریه‌هایی که خواب را بر اهل مدینه حرام می‌کند، به روشننگری می‌پردازد؛ نشان می‌دهد در شرایطی که فریاد و قیام تو به نفع دشمن خارجی تمام می‌شود و سکوت تو موقعیت فرصت طلبان داخلی را محکم می‌کند، چگونه با گریه، «فریاد در سکوت» انجام دهی، و این موضوع محور بعدی است.

پنج. یکی از آموزش‌های عمیق حضرت زهرا (ع)، توأم کردن احساسات پاک و زلال دینی با دغدغه‌های سیاسی - دینی و جهت دهی به اندیشه سیاسی جامعه از طریق برگزاری مراسم عزاداری است. ایشان برای اولین بار در طول تاریخ نشان داد که چگونه می‌توان گریه را، که کاملاً با روح انسان‌ها ارتباط برقرار می‌کند، در مسیر آگاهی بخشی سیاسی جامعه به خدمت گرفت، و نظام اعتراض به سبک عزاداری را پایه‌ریزی کرد؛^{۱۲} نشان دادند چگونه بدون این که فریاد بزنیم و به خیابان‌ها بریزیم و طمع دشمن خارجی را برای حمله به جامعه اسلامی برانگیزانیم، حکومت را به نحوی نقد کنیم که هم مردم متوجه شوند و هم اصل نظام حکومت دینی زیر سوال نرود؛ و در یک کلام چگونه می‌توان برای حفظ نظام اسلامی سکوت پیشه کرد و در عین حال، سکوت خود را فریاد زد. این گونه بود که نام شیعه با عزاداری پیوند خورد؛ و شیعه از این طریق، نه تنها هویت خود را در فضاهای خفقان آورامی و عباسی حفظ کرد؛ بلکه از آن به عنوان یک روش مبارزاتی کارآمد همواره بهره برد؛ تاحدی که امام خمینی (ره) همین انقلاب ما را نیز ثمره همین عزاداری‌ها معرفی می‌کند.

شش. مشی سیاسی حضرت زهرا (ع) برای حضور زنان در عرصه سیاسی - اجتماعی نیز حاوی پیام مهمی بود. ایشان نشان داد که چگونه یک زن بدون این که مطلقاً از جاذبه‌های جنسی خود استفاده کند یا با شعارهای زنانه‌پسند (= فمینیستی) پا روی حقیقت بگذارد، می‌تواند نه تنها در کانون توجهات اجتماعی واقع شود، بلکه لژه‌های سیاسی عمیقی نیز در جامعه ایجاد کند و زیرک ترین سیاستمداران را به چالش بکشد.

۷. که در این مورد چیزی جز مصلحت نظام اسلامی نیست؛ چرا که واقعا اسلامی که «منصوب پیامبر» در رأس آن نباشد، حقیقت اسلام نیست

۸. این سبک بعدها توسط ائمه اطهار (ع) در خصوص عاشورا مورد بهره‌برداری قرار گرفت

۹. به تعبیر زیبایی قرآن کریم: اتخذوا ایمانهم جنة فصدوا عن سبيل الله فلهم عذاب مهين / مجادله، ۱۶

۱۰. در خطبه ایشان در مسجد مدینه که در اعتراض به غصب فدک صورت گرفته، بحث مفصلی به معرفی اسلام و بیان سوابق و جایگاه امیرالمؤمنین (ع) در اسلام اختصاص دارد؛ و بحث‌های مربوط به فدک در انتهای بحث و با حجمی کمتر مورد اشاره قرار گرفته است، و در آن هم بیش از آن که بحث بر سر تزیین حق خویش باشد، پیرامون ضعف منطق غاصبین است



هشت. مرور مباحث حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه ظرایف دیگری از مشی سیاسی ایشان را نیز معلوم می‌سازد. ایشان در آن جا آموزش می‌دهد که افشاگری و بصیرت بخشی در جامعه دینی ای که عده‌ای از سابقه داران اسلام در صدد تحریف دین هستند، چگونه باید باشد؟^{۱۱} این مختصر مجال توضیح فقرات مختلف این خطبه پرمحتوا را ندارد، لذا فقط به مدل بصیرت بخشی ایشان اشاره می‌شود. غاصبان فدک می‌گفتند که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده‌ایم که فرموده: «ما پیامبران ارث نمی‌گذاریم.» حضرت نیز در خطبه خود آیات متعددی از قرآن کریم را نقل می‌کند که دلالت مستقیم بر ارث گذاشتن پیامبران دارد. در واقع نشان می‌دهند که چگونه ممکن است عده‌ای برای غصب حقوق دیگران حتی حدیث جعل کنند، و راه دفع این فتنه، مراجعه عمیق و جدی به قرآن کریم است، و راه افشای فتنه‌گر، افشای منطق او و نشان دادن ناسازگاری منطق او با منطق دین است. آن چه بیان شد، تنها فهرستی از برخی از اموری بود که از سیره سیاسی آن بزرگوار می‌شود آموخت و قطعاً نویسندگان تنها در حد فهم خود سخن گفته، نه در حد مقام حقیقی آن شخصیت بی نظیر؛ و بدیهی است که نه عبرت‌های سیره سیاسی ایشان به همین موارد محدود می‌شود؛ و نه حق همین موارد نیز باین چند جمله ادا شدنی است.

۱۱. خطبه با حمد و سپاس‌های مفصلی آغاز می‌شود که جدای از معارف عمیق الهی که در این فقرات نهفته است - شاید کنایه از این باشد که این اعتراض من، اعتراض بر شماست نه بر خدا؛ و من تحت هر شرایطی کاملاً راضی به رضای خدا هستم

ابر مردی که بارها جان خودش را بر روی دست گرفت

سردار سلیمانی یک شهید زنده است

۱ سردار سلیمانی هم ایثارگر است - هم یک شهید است... به شرطی که این راه را ادامه دهند. البته این شرط و شروط برای همه است. تا راه خدا را ادامه می‌دهید، جزو صالحین اید؛ اگر کج رفتید، همه چیز تمام می‌شود. همه‌ی ماهمین طوریم؛ بنده هم همین طورم. اگر کج قدم گذاشتیم، نمی‌شود بگوییم ما کسی هستیم که یک روز فلان کار را کردیم. کسانی که در راه خدا جهاد کردند، جهادشان محفوظ است؛ این ذخیره‌ای است که خدای متعال در آن دنیا برای آنها نگه داشته است. ۸۴/۲/۱۲

مردی که بارها جان خودش را بر روی دست گرفت

۲ مجاهدت‌های در راه خدا با این چیزها قابل مقابله و قابل جبران نیست. خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ». آنچه در برابر مجاهدت در راه خدا وجود دارد و خدای متعال در مقابل تقدیم کردن و روی دست گرفتن جان و مال در راه خدا قرار داده، بهشت است، رضای خدا است... الحمدلله همه‌ی شماها این مجاهدت‌ها را کردید، تلاش کردید. الحمدلله خدای متعال به این برادر بسیار عزیزمان - آقای سلیمانی - هم توفیق داده. ایشان بارها، بارها، بارها جان خودشان را در معرض تهاجم دشمن قرار داده‌اند، در راه خدا، برای خدا و مخلصاً لله؛ و مجاهدت کرده‌اند. ان شاء الله خدای متعال به ایشان اجر بدهد و تفضل کند و زندگی ایشان را با سعادت، و عاقبت ایشان را با شهادت قرار بدهد، البته نه حالا. هنوز سالها جمهوری اسلامی با ایشان کار دارد. اما بالاخره آخرش ان شاء الله شهادت باشد. ۹۷/۱۳/۱۹

وقتی حاج قاسم را دیدم...

۳ آن خانم دکتر عراقی، به این دوست ما گفته بود که من سفر اول و دومی که آمدم ایران - بعد از رفتن صدام - به هر ایرانی‌ای که می‌رسیدم، خیال می‌کردم که این [شخص]، دو برادر من را که در جنگ کشته شده‌اند، کشته [است]، با این چشم نگاه می‌کردم. و بغض داشتم - حالا دنباله‌ی حرفش هم این است - تا اینکه «سلیمانی» را دیدم. وقتی دیدم سلیمانی آمده و این جور فداکاری دارد می‌کند، قضیه برعکس شد. ۹۵/۳/۳۱

دل ما هم آن جا پیش شماهاست

۴ دل ما هم آن جا پیش شماهاست. ان شاء الله موفق باشید. خود شما هم که آقای سلیمانی باشید، در نظر ما شهید زنده‌اید. بارها شما در میدان جنگ به مرز شهادت رسیدید. شهادت یعنی این که انسان در جایی جانش را کف دستش بگیرد و خود را در معرض عروج الی الله قرار دهد. یک وقت این قضیه اتفاق می‌افتد و تمام می‌شود؛ اما گاهی هم اتفاق نمی‌افتد و دفعه‌ی دوم و سوم و دفعات دیگر باز جانش را کف دستش می‌گیرد. شما برادران خوب و سطح بالای سپاه واقعاً این طور هستید. بارها شما فضیلت شهادت را دریافتید. ان شاء الله این فضایل را برای خودتان نگه دارید و بعد از عمر طولانی، سرافراز و با دست پر با خدای متعال ملاقات کنید. ۷۶/۸/۲۶



خدمت حاج قاسم به همه ملت‌های جهان

۵ خدای بزرگ را با همه‌ی وجود سپاسگزارم که به مجاهدات فداکارانه‌ی شما و خیل عظیم همکارانتان در سطوح مختلف، برکت عطا فرمود و شجره‌ی خبیثه‌ای را که به دست طواغیت جهان غرس شده بود، به دست شما پندگان صالح، در کشور سوریه و عراق ریشه کن کرد... شما با متلاشی ساختن این توده‌ی سرطانی و مهلک، نه فقط به کشورهای منطقه و به جهان اسلام بلکه به همه‌ی ملت‌ها و به بشریت خدمتی بزرگ کردید. این نصرتی الهی و مصداق «وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» بود که به خاطر مجاهدت شبانه‌روزی شما و هم‌زمانتان به شما پاداش داده شد. ۹۶/۸/۳۰



یک جهان منتقامت خواهد بود

سوف ينتقم لك عالم بأكمله | AN ENTIRE WORLD WILL AVENGE YOU

شهید سلیمانی چهرهٔ بین‌المللی مقاومت است و همهٔ دلبستگان مقاومت، خونخواه او هستند.
مقام معظم رهبری

#انتقام_سخت